

بررسی مواجهه نظامی قبیله کلب با جنبش‌های اعتقادی و چالش‌های سیاسی و اقتصادی دوره اموی (۴۱-۱۳۲ هجری)

میشم حبیبی کیان؛* مه‌ران اسماعیلی**

چکیده

نظام اجتماعی سیاسی عرب بسته به قبیله بود که بنی‌امیه با کاربست آن حکومت امویان را تشکیل داد. در بین قبایل شام، بنی کلب با قلمرو گسترده، ادعای سروری قبایل یمنی و پیمان سیاسی و خانوادگی با بنی‌امیه، به وفادارترین هواخواه امویان تبدیل شد و با جانفشانی در صفین، پایه‌های حکومت اموی را استوار ساخت. همچنین تلاش برای ولیعهدی یزید و کمک نظامی و فرهنگی آن‌ها، گسترش حکومت امویان را رقم زد. بر این اساس پژوهش پیش‌رو می‌کوشد با رویکرد توصیفی و تحلیلی به این سؤال پاسخ دهد که عملکرد قبیله‌ی کلب در مواجهه با جنبش‌های اعتقادی و چالش‌های سیاسی اقتصادی دولت امویان چگونه بود و این قبیله در سرکوب جنبش‌های ضد‌اموی چه نقشی داشت؟

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مهم‌ترین عرصه نقش‌آفرینی کلبیان، عملکرد نظامی متأثر از هواداری ایدئولوژیکی، سنت‌ها و مصالح قبیله‌ای آن‌ها بود، چرا که بخشی از سپاهیان اموی را تشکیل می‌دادند. سرکوب جنبش‌های اعتقادی و همچنین سیاسی - اقتصادی، ستیز با پیروان مذاهب، قبایل رقیب و گروه‌های سیاسی مخالف امویان در گستره‌ی خلافت اسلامی کارویژه‌ی قبیله کلب در این دوره بود به طوری که در لشگرکشی‌های خارج از شام و دورترین مناطق، حضوری اثربخش داشتند. نقطه‌ی اوج مشارکت آنان را می‌توان پیکار باورمندان با اعتراضات اقتصادی اهل ذمه در مصر و نقاط دور از مرکز خلافت، قیام پیروان یزید بن علی، خیزش مردم مدینه و شورش‌های خوارج و زبیریان در سراسر قلمرو اموی دانست.
کلیدواژه‌ها: امویان، بنی کلب، جنبش، خلافت، شام.

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش تاریخ و تمدن دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی. habibikian110@gmail.com

** استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه شهید بهشتی. me_esmaeli@sbu.ac.ir

پیشگفتار

بررسی تاریخ اسلام بدون در نظر گرفتن نقش و جایگاه قبایل امکان‌پذیر نیست بویژه هنگامی که قبایل قدرتمند بخشی از جریان‌های سیاست و حکمرانی باشند. بنی‌امیه با آگاهی از این اصل، با قبایل یمنی هم‌پیمان شد و حکومتش را استوار ساخت. در اهمیت موضوع همین بس که قبیله‌ی کلب برترین حامی امویان بود که مواضع آن‌ها نسبت به تحولات عصر اموی کمتر مورد توجه محققین قرار گرفته است، در حالی که تحلیل تاریخ امویان بدون در نظر گرفتن اقدامات این قبیله، امکان‌پذیر نیست. در واقع کلیان با ادعای یمنی بودن و قلمروی گسترده و راهبردی خویش، قدرتی بی‌رقیب بودند و تأثیرات بسیاری را بر جامعه پیرامون خویش از جمله نوپای اسلامی گذاشتند. از این رو معاویه در رقابت برای کسب خلافت، با آگاهی از تعصب قبیلگی عرب، هم‌پیمان قبیله کلب شد تا در تأسیس و تثبیت دولتش از پشتیبانی آن‌ها برخوردار شود. پس از برقراری حکومت نیز شورش‌ها و قیام‌های بسیاری با انگیزه‌های اعتقادی، سیاسی و اقتصادی ضد امویان صورت گرفت که به لطف هم‌پیمانان بنی‌امیه از جمله کلیان به شدت سرکوب شد. حال سؤال پژوهش این است که عملکرد قبیله‌ی کلب در مواجهه با جنبش‌های اعتقادی و چالش‌های سیاسی-اقتصادی دولت امویان چگونه بود و این قبیله در سرکوب جنبش‌های ضد اموی چه نقشی داشت؟ نگارنده در پاسخ به این سؤال تلاش دارد رویکرد قبیله کلب در مواجهه با مخالفان دولت اموی را با شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی بیان نماید ضمن اینکه در برخی موارد از تحلیل تاریخی غافل نمانده است. فرض پژوهش نیز بر آن است که هرچند دولت امویان از تمام ظرفیت‌های سیاسی، نظامی و اجتماعی قبیله برای رسیدن به اهداف خویش استفاده نمود ولی قبیله‌ی کلب نیز با تکیه بر باورهای خود و در جهت مصالح قبیله و رقابت با قبایل دیگر، بیشترین بهره را از دولت امویان برد.

مهم‌ترین اثر در این زمینه، پایان‌نامه‌ی ارشد «قبیله کلب و دورها فی التاریخ العربی حتی نهایة العهد الاموی فی الشام» ارائه شده در سال ۱۴۱۴ هجری در دانشگاه مستنصریه بغداد است که فقط درصدد جمع‌آوری برخی اطلاعات از قبیله‌ی کلب بوده است. پژوهش‌های دیگر نیز به صورت موردی قیام‌های این دوره را پوشش داده‌اند، مانند مقاله‌ی «قیام زید بن علی و یحیی بن زید و اسباب شکست و تأثیرات آن در مبارزات ضد اموی»؛ بنابراین در نبود تحقیقی مستقل، پژوهش حاضر می‌کوشد با مراجعه به کتابخانه‌ها و استفاده از منابع دیجیتال، زوایای

ناپیدا از نقش تاریخی و تأثیرگذاری قبیله‌ی کلب بر تحولات سیاسی اجتماعی دوره‌ی امویان را آشکار سازد.

۱ - معرفی قبیله کلب

اهمیت و جایگاه ویژه‌ی قبیله‌ی کلب در میان قبایل عرب به این دلیل است که مشهورترین و بزرگ‌ترین شاخه قضاعه است (یعقوبی، بی تا: ۲۰۳/۱). بسیاری از نسب‌شناسان از آن به‌عنوان یکی از جمّاجم عرب^۱ تعبیر کرده‌اند و ابن‌خلدون قضاعه را در کنار عدنان و قحطان، جداگانه ذکر می‌کند (ابن‌خلدون، ۱۹۸۸: ۲۹۶/۲). باوجود مناقشه در قحطانی یا عدنانی بودن قضاعیان (اوپنهام، بی تا: ۵۰۷/۲) به نظر می‌رسد قول جنوبی بودن قضاعه در دوره‌ی امویان ارجح باشد و تواتر اهل یمن در قحطانی دانستن قضاعیان مویدی بر آن است (باشمیل، ۱۹۷۳: ۱۵۱). بدین ترتیب قضاعه و کلب مجموعه قبایل وابسته به جنوب عربستان (یمن) بودند که خود را به قحطان بن یعرب منتسب می‌کردند. کلب هم فرزند وبره بن تغلب بن حلوان بن الحاف بن قضاعه است که به نسل او کلبی می‌گویند (سمعانی، ۱۳۸۲: ۱۳۰/۱۱). اولین حضور کلب بن وبره در وادی السباع^۲ ثبت شده است که با تکثیر فرزندانش طایفه‌های بزرگ کلبی در مناطق مرکزی شبه‌جزیره مثل صحرای نُفود و جناب و جنوب بادیه‌ی شام مانند سماوه و عرعر شکل گرفت (بکری، بی تا: ۲۴/۱ و ۱۶۴/۲). حتی بیابان سماوه به دلیل حضور آن‌ها به سماوه‌ی کلب معروف گردید (حموی، ۱۹۹۵: ۲۴۵/۳). کلییان در پی روابط تجاری با حکومت‌های شمالی، فقر منابع طبیعی و نزاع با قبایل دیگر مجبور به هجرت به مناطق شمالی‌تر شدند و به همراه برخی از قبایل قضاعه مثل بهراء و بلی و... به سمت نواحی داخلی عراق و شام (سوریه و اردن امروزی) حرکت کردند (اوپنهام، بی تا: ۴۷۶/۲). بسیاری از آن‌ها در قرن پنجم و ششم میلادی در حیره مستقر بودند و با حکومت مُناذره رابطه داشتند (طبری، ۱۹۷۶: ۲۱۳/۲) و برخی طوایف دیگر هم در سرحد مرزهای شام با حکومت غسانیان ارتباط برقرار کرده بودند (بکری، بی تا: ۵۰/۱). در میانه قرن ششم کلییان در مناطق مهم شمال‌غرب شبه‌جزیره از جمله دُومة‌الجندل و تبوک، قدرت را بدست گرفته و صاحب سرزمین‌های

۱ - جمّاجم عرب، سران عرب و همه‌ی پسران یک پدرند که برای آنها عزت و شرف باشد. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۲۸۹/۳ و ۱۱۰/۱۲) از این جهت به آنها «جمّاجم» گفته می‌شود که به منزله جمجه و سر نسبت به انسان هستند بدین معنا که از قبائل اصلی دوره‌ی پیشاسلامی بوده‌اند. (جوادعلی، ۱۹۶۸: ۳۳۴/۷)

۲ - صحرای در نزدیکی کوفه (حموی، ۱۹۷۹: ۳۴۳/۵)

حاصلخیز، آب‌های فراوان و حتی تجارت و صنعت بودند. تسلط کلب بر مناطق شمال غرب شبه‌جزیره تا ظهور اسلام ادامه داشت لکن پس از اسلام با فتح دومه‌الجنندل اقتدار خود را از دست‌رفته دیدند و به همین دلیل به قسمت‌های درونی صحرای شام کوچ کردند و در شهرهای دمشق، حلب، تدمر و بالاتر از آن تا مرزهای روم، جای گرفتند (Webb, 2021: 3/75) بنابراین آن‌ها مقارن با طلوع اسلام مالک سرزمین‌های وسیع در شام بودند و هم‌پیمان حکومت اموی گردیدند لکن در قرن دوم هجری پس از ضعف بنی‌امیه به شمال آفریقا، خلیج قسطنطنیه و بلاد مصر کوچ کردند. لازم به ذکر است کلبی‌ها به‌حسب موقعیت جغرافیایی خود از سرزمین‌ها و اقوام اطراف خویش متأثر بودند؛ از این‌رو طایفه‌های مستقر در مرکز و شمال جزیره‌العرب، قبل از اسلام و اندکی پس از آن، به علت نزدیکی به محل بت‌پرستان، بُت می‌پرستیدند و برخی طوایف دیگر به سبب همجواری، کارگری (ابن‌خلدون، ۱۹۸۸: ۵۲۰/۲) و تجارت (ابن‌عبدالبر، ۱۹۹۲: ۷۲۷) با غسانیان و رومیان، به دین نصرانیت وارد شده بودند.

از بُعد اجتماعی نیز قبیله‌ی کلب با تکیه بر پیشه‌ی دامداری و زندگی کوچ‌روی و سپس با زیاد شدن جمعیتش از دیگر قبایل قضاعه‌ مستقل شد و بالاخره به زعامت قضاعیان رسید. مهم‌ترین شخصیت کلبی قبل از اسلام، زهیر بن جناب، توانست قبایل قضاعه را زیر یک پرچم جمع کرده و بر کلب و قضاعه هم‌زمان حکم براند (سجستانی، ۱۹۶۱: ۳۵؛ برو، ۱۹۹۶: ۲۱۰). همچنین در صدر اسلام دَجَلَه بن قنانه کلبی، جدّ اعلاّی میسون (همسر معاویه) در دومه‌الجنندل و تبوک فرمانروایی داشت (ابن‌کلبی، ۱۹۸۸: ۵۹۶/۲). این قبیله دارای مردانی جنگجو و بی‌باک بود، به‌طوری‌که زهیر بن جناب بالغ‌بر دو‌یست جنگ را تجربه کرده و از جسورترین آن‌ها بود (بغدادی، ۱۹۴۲: ۲۵۰). همچنین مردم کلب با شعار «أربطنا للخیل وأبذلنا للنیل» (همدانی، ۲۰۰۴: ۲۱۷/۲) خود را سوارکار و بخشنده معرفی کرده و ادعا داشتند که «جوانان صبح‌اند» چراکه خورشید بر آن‌ها طلوع نکرده بود مگر اینکه در جنگ و قتال بودند (غندجانی، ۱۹۸۰: ۱۰۹).

۲ - عملکرد بنی‌کلب در روی کار آمدن و تثبیت امویان

طبق مطالب پیش‌گفته قبیله‌ی کلب بانکیه بر عصیبت قومی، گسترده‌گی مناطق تحت‌نفوذ و مصلحت‌اندیشی، منشأ بسیاری از رخدادها و حوادث مهم در سرزمین شام بود که در ارتباط عمیق با بنی‌امیه به عنصری فعال و تأثیرگذار در تحولات سیاسی و اجتماعی دو سده‌ی نخست

هجری بدل شد. معاویه به‌عنوان اولین حاکم دولت نوپای اموی، که با زیرکی از تمام ظرفیت‌های پیرامون خویش برای رسیدن به اهداف سیاسی خود بهره می‌برد، (ابن طقطقی، ۱۳۶۷: ۱۴۳) با آگاهی از نقش قبایل در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی منطقه شام، هم‌پیمان قبایل نیرومند گردید و کوشید پایه‌های حکومتش را استوار سازد. از این‌رو با پی بردن به نیروی رو به رشد کلبیان در اواخر عصر خلفای راشدین، توانست از نفوذ و قدرت آن‌ها در تأسیس دولتش بهره برد. دیگر حکام اموی نیز در طول حکومتشان برای تثبیت موقعیت و رسیدن به اهداف خویش به کلبیان به‌عنوان مخلص‌ترین و وفادارترین قبیله اعتماد و تکیه کردند تا جایی که گفته می‌شود؛ مانند کلب کسی بنی‌امیه را تأیید نکرد (ابن خلکان، ۱۹۹۴: ۱۰۸/۷).

در این زمان رویکرد جامعه اسلامی در مواجهه با سلطنت امویان متفاوت بود. شیعیان، رقیب اصلی امویان بودند که حکومت را حق سیاسی و دینی اهل‌بیت (ع) می‌دانستند. گروه دیگر نیز گرایش به خلفای نخستین داشتند و ضمن اعتراض به تبدیل خلافت به سلطنت و موروثی کردن خلافت، مخالف این سبک از حکمرانی بوده و آن را خارج از سنت‌های اسلامی می‌پنداشتند. در مقابل این دو گروه طرفداران حکومت اموی و هم‌پیمانان آن‌ها بودند که نه تنها از سلطنت اموی ناراضی نبودند بلکه در تقویت آن می‌کوشیدند (طوقوش، ۱۳۹۲: ۳۳). معاویه در مواجهه با هر سه گروه رویکرد خاصی داشت، لکن برای بدست آوردن حمایت قبایل همسو با خویش، تفاخر عربی و قبیله‌گرایی را جایگزین تقوا، برادری و برابری نمود (وکیلی، ۱۳۷۶: ۵۴ و ۹۱/۵۵).

در پی قتل عثمان، با اقدام به موقع نائله، همسر کلبی خلیفه مقتول، فرصت بی‌نظیری پدید آمد. او با فرستادن پیراهن خونین خلیفه و انگشتان قطع شده‌اش (اصفهان‌ی، ۱۹۹۴: ۴۸۵/۱۶؛ ابن کلبی، ۱۹۸۸: ۵۶۷/۲) به شام زمینه‌ی بهره‌برداری معاویه را ایجاد کرد، به‌طوری‌که حدود پنجاه هزار نفر، سوگند یاد کردند با قاتلان عثمان در خشکی و دریا در کنار معاویه بجنگند (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا: ۴۰/۱۴). در واقع معاویه با معرفی خود به‌عنوان خونخواه خلیفه، اعتقادی را رقم زد که مردم شام او را جانشین خلیفه مقتول می‌دانستند، (منقری، ۱۴۰۴: ۳۲؛ ولهاوزن، ۱۹۶۸: ۷۰ و ۱۲۹) از این‌رو مشروعیت دولتش را پذیرفتند و عملاً عثمانی مذهب محسوب

شدند.^۱ بنابراین به نظر می‌رسد در ابتدای کار معاویه در شام (حدود ۱۸ هجری)، قبایلی مثل کلب بر پایه‌ی اشرافیت و طبق تعصب عربی حامی او شدند ضمن اینکه او را والی خلیفه می‌دانستند، تا اینکه مرگ عثمان (۳۵ هجری) بستر اعتقادی برای خلیفه شدن معاویه را ایجاد کرد. البته تبلیغات ضد علوی معاویه در شام (ولهاوزن، ۱۹۶۸: ۷۲) و این عقیده که جانشین پیامبر (ص) باید از قریش باشد را نباید در رسیدن به خلافت او نادیده گرفت.

به‌هرحال رسوخ این اعتقاد در میان شامیان - از جمله بنی کلب - آن‌چنان بود که در اشعار خود، انتساب به عثمان را برترین افتخارات می‌دانستند (صفدی، ۲۰۰۰: ۱۴۳/۱۵؛ مرزبانی، ۱۳۴۳: ۷۰). همچنین اولین نمایش این اعتقاد در صفین بود، جایی که مردم شام با ضمیرهایی مطمئن و با باور به حقانیت معاویه به صحنه آمده بودند (ولهاوزن، ۱۹۶۸: ۷۷). گزارش‌های موجود ضمن تأکید بر این مسئله، حاکی از جان‌فشانی و وفاداری کلیان بیشتر از دیگر قبایل است (ابن عدیم، ۱۹۷۶: ۲۱۷۹/۵) به‌طوری که جانبازی، شجاعت و ایستادگی آن‌ها در قالب اشعار و خاطرات منعکس شده است. در این کارزار شعراء و فرماندهان کلب در رجزهای خود، افرادشان را به دفاع از ناموس در برابر عراقی‌ها فراخوانده (منقری، ۱۴۰۴: ۳۷۵)، طرفداران علی (ع) را با ترابی خواندن تحقیر کرده (بلاذری، ۱۹۹۶: ۴۶۶/۲) و با اعتقاد راسخ به ناحق بودن علی (ع) به نکوهش و هجو عراقی‌ها پرداختند.^۲ البته می‌توان دلیل این حمایت سرسختانه کلب و سایر قبایل شام برای ثبوت دولت امویان را در پیشینه‌ی تاریخی آن‌ها جست چرا که دو سرزمین شام و عراق از دوران کهن حلقه وصل دو امپراتوری بزرگ روم و فارس بوده و همواره باهم در رقابت بودند بدین گونه که شامیان بیشتر تحت سلطه‌ی رومیان بوده - مانند حکومت غسانیان - و عراقی‌ها - مانند مناذره - بیشتر دست‌نشانده‌ی فارس بودند.

۱ - عثمانیه (عثمانی‌مذهبان) افرادی بودند که در محبت عثمان غلو کرده و برای امیرالمومنین (ع) قائل به نقص - اند. (عسقلانی، ۱۳۷۹: ۱۶/۷) طبری می‌نویسد: «هنگامی که عثمان کشته شد، انصار با علی بیعت کردند مگر تعداد کمی از آنها که عثمانی بودند». (طبری، ۱۹۷۶: ۴/۴۲۹) اکثر این افراد به شام رفته و با معاویه هم پیمان شدند لذا بنی‌امیه را بر بنی‌هاشم مقدم داشته و شام را برتر از مدینه می‌دانستند. (اصفهانی، ۱۹۹۴: ۱۶/۴۲۰) جاحظ نیز عثمانیه را هواداران عایشه، طلحه، زبیر و اهل شام نام می‌برد که با گرایش به معاویه از بیعت با علی (ع) سر باز زدند. (جاحظ، ۱۹۹۱: ۱۲). [البته باید در نظر داشت که جاحظ از نزدیکان دستگاه عباسی بود و احتمال دارد که عثمانیه را ضد‌امویان نگاشته باشد] شاید بتوان گفت این فرقه که رنگ و بوی سیاسی داشت، ساخته دستگاه بنی‌امیه برای مشروعیت‌بخشی به خلافتشان بود که با ارائه نظریه واجب‌الاتباع بودن علی (ع) بعنوان خلیفه چهارم از سوی احمد بن حنبل برچیده شد. (میرشریفی، ۱۳۶۹: ۱۳/۵)

۲ - بنی‌نزار که سر به فرمان ابوتراب سپردند، گمراه شدند. (منقری، ۱۴۰۴: ۳۷۵)

لذا این حس رقابت اجازه نمی‌داد که قبایل مستقر در این دو منطقه‌ی استراتژیک در عرصه‌های سیاسی زیر پرچم یکدیگر قرار گیرند. پس می‌بینیم که قبایل شامی سیاست‌های ضد عراقی بنی‌امیه را می‌پسندیدند و بر اساس سابقه ذهنی از شیوه پادشاهی روم، با منش سلطنت‌گونه‌ی معاویه سازگارتر بودند.

برخلاف صفین در ماجرای صلح امام حسن (ع) از قبیله کلب گزارشی ثبت نشده است و چه بسا عدم وقوع نبرد از سوی دو طرف دلیل آن باشد یعنی به‌طور قطع جنگ آوران کلبی در سپاه معاویه - به‌مانند صفین - حضور داشتند ولی عرصه‌ی ابراز وجود مهیا نشد. در حقیقت معاویه با قبول شروط امام (ع) به فکر تثبیت جایگاه خود در شام بود و به حکومت می‌اندیشید، از این رو پس از این جریان کلبی‌ها سعی کردند ارتباط خود را با بنی‌امیه تقویت کنند.

بزنگاه دیگری که امویان از بنی کلب بهره بردند، ماجرای ولیعهدی یزید بود. در واقع بنی کلب پس از طلاق میسون کلبی (مادر یزید) از معاویه، پیوندهای سیاسی خود را با امویان نگه‌داشتند. آن‌ها یزید را در کودکی به میان قبیله خود بردند ولی برای حفظ جایگاه درباری، هر از چندگاهی او را در کاخ معاویه حاضر می‌کردند (ابن‌اثیر، ۱۹۶۵: ۱۲۶/۴). همچنین هنگام اجرای تصمیم معاویه به ولایت‌عهدی یزید، قبیله‌ی کلب از هیچ تلاشی فروگذار نکرد. در حقیقت بسیاری از بزرگان صحابه و تابعین این اقدام معاویه را برناتفتند چراکه نه تنها بر اساس اصول اسلامی نبود بلکه روال رهبری قبیله هم لزوماً به‌صورت وراثتی از پدر به پسر نبود لکن کلبی‌ها با تأثیر از نظام‌های پادشاهی قبل از اسلام (ولهاوزن، ۱۹۶۸: ۱۳۴) و خویشاوندی با یزید، حامیان طبیعی خانواده حکومتی محسوب می‌شدند،^۱ از این رو دو بزرگ کلب، مالک و حریث بن بحدل در بیعت ستاندن برای یزید بسیار تلاش کردند و پس از ولیعهدی، او را در نبرد قسطنطنیه (۵۰ هجری) همراهی کردند (ابن‌عدیم، ۱۹۷۶: ۲۱۹۷/۵). همچنین حسان بن مالک کلبی اولین کسی بود که پس از معاویه با یزید بیعت کرد (بلاذری، ۱۹۹۶: ۶۳/۴). اشعاری هم در حمایت یزید از سوی شعرای کلب سروده شده است که نشان از علاقه‌ی کلیان و حمایت همه‌جانبه از اوست (ابن کلبی، ۱۹۸۸: ۵۵۷/۲-۵۵۸؛ بغدادی بی‌تا: ۳۴۹). البته مقایسه بین عملکرد قبیله در مواجهه با خلافت معاویه و یزید بیانگر آن است که مردم کلب با باور بر حقانیت معاویه در چارچوب خلافت اسلامی از او حمایت کردند و در

۱ - یزید حاصل ازدواج معاویه با میسون، خواهر زعیم قبیله‌ی کلب - مالک بن بحدل - بود. (ابن کلبی، بی‌تا: ۵۰)

مقابل دشمنان از جمله اهالی عراق ایستادند ولی در مورد ولیعهدی یزید به پیش‌زمینه‌ی ذهنی سلطنت‌گرا و فارغ از حاکمیت دینی^۱ رجوع کردند که بر پایه‌ی مصالح قبیله و نظم و اطلاعات‌پذیری از حکومت استوار بود (ولهاوزن، ۱۹۶۸: ۵۷ و ۵۶).

حاصل اینکه دولت امویان، به لطف دفاع و مشارکت فعال پیاده‌نظام و سوارکاران قبیله‌ی کلب که در راستای باورهای دینی - سیاسی و منافع قبیله‌ی خود در کنار بنی‌امیه بودند، رشد نمود و تثبیت گردید و بدین ترتیب بنی‌کلب به نیروی اصلی مدافع خلفای اموی نه تنها در شام بلکه در گستره‌ی خلافت تبدیل شد. با این مقدمه در ادامه به واکاوی عملکرد مردمان قبیله‌ی کلب نسبت به قیام‌های ضد اموی متأثر از عوامل اعتقادی، سیاسی و اقتصادی خواهیم پرداخت.

۳ - عملکرد بنی‌کلب در چالش‌های امنیتی - نظامی و دفع قیام‌های ضد اموی

۳ - ۱ - رویارویی بنی‌کلب با جنبش‌های اعتقادی

پس از ماجرای صلح امام حسن (ع) بود که کار بنی‌امیه بالا گرفت و معاویه به دلیل اشرافیت، تعصب عربیت و خلافت مورد پذیرش قبایل شام قرار گرفت (ولهاوزن، ۱۹۶۸: ۱۲۷) لکن امویان هنوز در دیگر مناطق جهان اسلام از مقبولیت و نفوذ سیاسی برخوردار نبودند، از این رو با اعتراضات پراکنده‌ای از سوی خوارج و شیعیان روبرو شدند. در این برهه از تاریخ همچنان کلییان شام با باور به حقانیت بنی‌امیه در درجه اول و تمایل به سیطره‌ی سیاسی امویان در مرتبه دوم، در تمامی صحنه‌های سیاسی و نبردهای نظامی در صف اول مبارزه با مخالفان امویان قرار داشتند بویژه زمانی که قسمت اعظمی از جامعه‌ی اسلامی، خلافت یزید را برناتفتند و اساساً اعتقاد داشتند که او به ناحق بر منصب خلافت است. نقطه‌ی عطف این جنبش‌ها، قیام حسین بن علی (ع) بر علیه یزید است لکن گزارش دقیقی از نقش کلییان در سپاه عمر بن سعد در دست نیست چراکه اکثریت لشکر حاضر در کربلا را کوفیان تشکیل می‌دادند و حضور قبایل شامی دور از ذهن است. البته منابع متأخر از بحدل بن سلیم به عنوان تنها کلیبی نام برده‌اند که در رویارویی مستقیم با امام (ع)، به طمع انگشتی، انگشت آن حضرت را قطع کرد (ابن‌نما، بی تا: ۷۶) و سرانجام به دستور مختار کشته شد (ابن طاووس، ۱۴۱۷: ۱۷۸). کشته شدن او به دست مختار می‌تواند گویای این باشد که بحدل از کلییان

ساکن عراق بود که با تسلط مختار بر کوفه اسیر گردید، از این رو خارج از مبحث کلیان شام است. البته گزارش مذکور در منابع متقدم و مقاتل اولیه یافت نشد که تردید در این مسئله را بیشتر می‌کند.

در جریان سرکوب قیام مردم مدینه در ۶۴ هجری نیز بسیاری از مردان کلب، در میان لشکر شام حضور داشتند و در کشتار و تجاوز به مردم شریک بودند (طبری، ۱۹۷۶: ۳۷۷/۴؛ دینوری، ۱۴۱۰: ۱۷۹/۱). گزارش‌هایی در دسترس است که در این جنایت، مخارق کلبی فرمانده سمت چپ سپاه شام بود (ابن‌عساکر، ۱۹۹۵: ۱۳۲/۵۷) و کلیان، خانه‌ی آسامه بن زید^۱ در مدینه که از قبیله‌ی خودشان بود را تحت حمایت خود قرارداداده بودند تا آسیبی به افراد آن نرسد (بلاذری، ۱۹۹۶: ۳۲۷/۵). کلیان در جواب رجزهای مردم مدینه، یزید را از خود دانستند^۲ (همان، ۳۲۵) و حتی سال‌ها بعد حسان بن مالک کلبی با افتخار به این جنایت، یزید و پیروان او را صاحبان دین حق معرفی و کشته‌شدگان حرّه را اهل دوزخ خواند (طبری، ۱۹۷۶: ۵۳۱/۵).

پس از سرکوب قیام مردم مدینه نوبت به جنبش عبدالله بن زبیر رسید که به کعبه پناه برده بود (منقری، بی تا: ۱۱۱/۱). لشکر یزید در محرم ۶۴ هجری به فرماندهی حصین بن نمیر مکه را محاصره و با منجیق شهر را سنگ‌باران کرد که عده‌ای زیادی کشته شدند و کعبه آتش گرفت (بلاذری، ۱۹۹۶: ۳۳۸/۵). جنگجویان قبیله در این جنایت بمانند ماجرای حرّه، حاضر بودند، همچنان که در شعر «حرّفته رجال کلب وعكّ *** حین جاءوا وحمیر وصداء»، به‌عنوان آتش‌افروزان حرم معرفی شده‌اند (همان، ۵۳/۴ و ۳۴۵/۵). در تحلیل این اقدام به نظر می‌رسد چیزی جز باور به حقانیت یزید نمی‌توانست انگیزه هتک حرمت نسبت به خانه‌ی خدا از سوی آن‌ها باشد.

مقابله با مختار نیز دیگر عرصه‌ی حضور حامیان کلبی بنی‌امیه بود هرچند که خیانت عمیر بن حباب (فرمانده‌ی قیسی سپاه شام) سبب شکست سپاه عبدالله بن زیاد شد (ابن‌اثیر، ۱۹۶۵: ۲۶۱/۴). در این واقعه با خالی کردن میدان از سوی قبایل قیس، بیشتر افراد سپاه شام را قبایل کلب تشکیل می‌دادند که در کنار سالار خود حمید بن حرث بن‌بحدل، جنگیدند و

۱- آسامه قبل از سال ۶۰ هجری از دنیا رفت ولی منزل او در مدینه باقی بود.

۲- أنت منّا و لیس خالك منّا *** یا مجیب الصلاة للدعوات

کشته‌های زیادی دادند لکن نسبت به امویان ثابت‌قدم ماندند و پایداری نمودند (طبری، ۱۹۷۶: ۸۶/۶).

در زمانی که فتنه‌هایی سیاسی در شام با کمک کلیبان فرونشست (در ادامه به آن اشاره خواهد شد) و امویان حاکمان بلامنازع آن دیار شدند، اوضاع آشفته‌ی عراق هنوز به نفع آنان نبود. این مسئله پس از شکست مختار ثقفی از مصعب بن زبیر و تسلط زبیریان بر عراق نمود بیشتری پیدا کرد. از این رو عبدالملک مروان (۶۵-۸۶ هجری) در مواجهه با سپاه زبیریان سعی داشت از راه مصالحه، مصعب بن زبیر را از نبرد منصرف کند، پس مردی از کلب را برای رایزنی نزد وی فرستاد و به او گفت: خواهرزاده‌ات را از دعوت برای برادرش منصرف کن،^۱ اما مصعب بر قتال پافشاری کرد (ابن‌أثیر، ۱۹۶۵: ۳۰۲/۴). رویارویی این دو سپاه در اواخر ۷۲ هجری در مَسْکِن رُقم خورد و عبدالملک به همت مردمان کلبی توانست بر زبیریان چیره گردد و با کشتن مصعب و ابراهیم بن مالک‌اشتر به سلطه‌ی زبیریان در عراق خاتمه دهد (مسعودی، ۱۴۰۹: ۱۰۹/۳). نکته‌ی این گزارش تکیه‌ی امویان بر قدرت سیاسی کلب است؛ به طوری که در صورت نیاز از نفوذ و روابط خانوادگی کلب در جهت دفع فتنه‌ها استفاده می‌کردند.

عبدالملک پس از تسلط کامل بر عراق، حجاج بن یوسف را در ۷۳ هجری، با سپاهی به سمت حجاز فرستاد تا کار زبیریان را یکسره کند. حجاج نیز مکه را محاصره کرد و عبدالله بن زبیر را به قتل رساند تا عملاً با پایان حکومت زبیریان، سیطره‌ی امویان بر کل جهان اسلام را رقم زند (طبری، ۱۹۷۶: ۱۸۷/۶-۱۸۸). بی‌تردید کلبی‌ها در نبرد نهائی با زبیریان در مکه، بخشی از سپاه اموی بودند؛ همان‌طور که سروده‌ی جَوَّاسِ بْنِ قَعَطِلِ بر آن تأکید دارد (بلاذری، ۱۹۹۶: ۳۷۶/۵). او در ابیاتش زبیریان را به دلیل ظلمی که در حرم کردند ملحد خواند و در جهت توجیه حمله به مکه، آن‌ها را به نفاق متهم کرد (بیطار، ۲۰۰۲: ۴۶۳/۲). بنابراین نقش کلب در سرنوشت حکومت زبیریان غیرقابل انکار است و هماهنگی آن‌ها در حرمت‌شکنی، نشان از همفکری اعتقادی و سیاسی با امویان است.

در ادامه بحث جنبش‌های اعتقادی، از خوارج نباید غافل ماند هرچند علت اصلی خروج آن‌ها بر امویان مقاصد دینی و مذهبی بود ولی گاهی با پیوستن اهل ذمه، انگیزه‌های اقتصادی

۱ - رباب دختر اُنَیْف از عشیره بنی‌عَلِیم قبیله کلب، همسر زبیر بن عوام و مادر مصعب و حمزه بود. (ابن‌سعد، ۱۹۹۰: ۱۴۲/۵-۱۴۰)

و سیاسی هم پیدا می‌کردند (ولهاوزن، ۱۹۶۸: ۳۳۱). این گروه که سرسختانه با امویان دشمنی داشتند، خلافت بنی‌امیه را غاصبانه می‌دانستند، از این رو در اقصی نقاط جهان اسلام حکومت تشکیل داده و هزینه زیادی را برای دولت اموی ایجاد کردند. در ادامه به سه قیام بزرگ خوارج اشاره می‌شود که در همه آن‌ها، کار امویان با حضور جنگجویان کلبی قوت گرفت. در اولین مواجهه، خوارج صُفَری با فرماندهی شیب بن یزید خارجی در ۷۶ هجری وارد کوفه شدند (ابن سعد، ۱۹۹۰: ۳۳۶/۶) که عبدالملک مروان برای دفع شورش آن‌ها، سفیان بن اُبرد کلبی را با چهار هزار نفر از مردم شام برای یاری حجاج بن یوسف گسیل داشت (طبری، ۱۹۷۶: ۸۵/۵). سفیان به محض رسیدن به منطقه، شیب را به سوی کرمان فراری داد (همان، ۱۰۲) و با تعقیب خوارج، قطری بن فجاءه خارجی را در طبرستان به قتل رساند (همان، ۳۰۹/۶). فروه بن ریان کلبی، غزاله، زن شیب خارجی را در سبخه به قتل رساند (ابن کلبی، ۱۹۸۸: ۵۸۰/۲) و بدین ترتیب اولین فتنه‌ی خوارج با شجاعت جنگ آوران کلبی به سود امویان پایان پذیرفت.

در سال‌های دهه‌ی پایانی حکومت امویان نیز دو قیام از سوی خوارج برای امویان دردسرساز شد که اولین آن‌ها قیام بربرهای متحد با خوارج در شمال آفریقا بود. از این رو هشام بن عبدالملک، حَنْظَلَةُ بن صَفْوَان کلبی را در ۱۲۴ هجری به‌عنوان والی آفریقا تعیین کرد (ابن خیاط، ۱۳۹۷: ۲۴۳) تا در مقابل خوارج صُفَریه - به سرکردگی عکاشه بن ایوب فزاری و همکاری عبدالواحد بن یزید هواری - بایستد. در نهایت او در نبرد «اصنام» در نزدیکی قیروان، خوارج را شکست داد (مونس، ۱۹۹۲: ۱۰۸). در سوی دیگر ابوالخَطَّار، حُسَّام بن ضَرَّار کلبی نیز در ۱۲۵ هجری مناقشات نژادی بین بربرها و عرب‌های مهاجر به قرطبه را مدیریت کرد (ابن اَثیر، ۱۹۶۵: ۲۹۲/۴). اگرچه ابوخطار کاردان بود ولی گرایش قبیله‌ای شدیدی به یمنی‌ها داشت (ابن اَبَّار، ۱۹۸۵: ۶۶/۱) که سرانجام او را در درگیری با سرور قیسی‌ها، صُمَیْل بن حاتم به کشتن داد (ابن عذاری، ۲۰۱۳: ۳۴/۲). بنابراین در غرب جهان اسلام وجود افرادی از قبیله‌ی کلب توانست به کار بنی‌امیه آمده و مخالفان آن‌ها را سرکوب کند.

قیام دیگر خوارج هم‌زمان با شروع خلافت مروان دوم (۱۳۲-۱۲۷ هجری) در عراق رخ داد. در این واقعه ضحاک بن قیس شیبانی پس از برگزیده شدن به رهبری خوارج، با آگاهی از آشفتگی عراق - به سبب اختلاف بین مضریان به رهبری نضر بن سعید حاکم جدید عراق و یمنیان - به رهبری عبدالله بن عمر بن عبدالعزیز حاکم سابق عراق (ابن اَثیر، ۱۹۶۵:

۳۴۱/۴ - در ۱۲۷ هجری به سمت کوفه حرکت کرد. در این زمان نصر و عبدالله اختلاف را کنار گذاشته، با یکدیگر متحد شدند. عبدالله بن عمر، منصور بن جمهور کلبی را با سیصد سوار کلبی به مقابله خارجیان فرستاد که با آنها نبردی سخت کردند (طبری، ۱۹۷۶: ۳۱۷/۷). در این دوره اگرچه مردم کلب از سیاست‌های مروان دوم که جانب قیسی‌ها (رقیب کلیان) را گرفته بود ناخشنود بودند لکن باز هم با جانب‌داری از عبدالله در نقش حامیان حکومت اموی ظاهر شدند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در اواخر حکومت بنی‌امیه، کلیان علیرغم اختلاف نظر با امویان هنوز رگه‌هایی از عرق به حکومت اموی را داشتند که حاضر به جان‌فشانی بودند.

در مواجهه با پیروان اهل بیت (ع) نیز کلیان میدان‌دار بودند و برای مقاصد امویان در قالب قتل و سرکوب کوشیدند؛ از جمله این که ابوالجهم بن کنانه کلبی به دستور حجاج بن یوسف، کمیل بن زیاد، یار امام علی (ع) را به طرز فجیعی به قتل رساند (سمعانی، ۱۳۸۲: ۳۵۱/۸). در میدان نبرد نیز مهم‌ترین عرصه‌ی حضور کلب در برابر شیعیان، قیام زید بن علی در ۱۲۲ هجری است چراکه اصبح بن ذواله کلبی در رأس گروهی از طرف والی حیره، مأمور سرکوب قیام شده بود (ابن کلبی، ۱۹۸۸: ۶۰۶/۲). از گزارش‌های مربوط به این ماجرا می‌توان نحوه نگرش کلیان شام نسبت به منتسبین به پیامبر (ص) را هم کاوید به طوری که در جهت ابراز وفاداری خود نسبت به امویان از هیچ عملی پروا نداشتند و برخی از آنها به سب و شتم اهل بیت رسول خدا (ص) اقدام کردند (اصفهانی، بی تا، ۱۳۶؛ طبری، ۱۹۷۶: ۱۷۱/۷). کلیان پس از آن نیز به حمایت از اقدام بنی‌امیه در سرکوب قیام ادامه دادند که جلوه‌ی آن در سروده‌هایشان بود. اصبح بن ذواله به مشارکت بنی کلب در قتل زید افتخار کرده (ابن کلبی، ۱۹۸۸: ۶۰۶/۲) و حکیم بن عیاش مشهور به أعرور کلبی، از شعرای هتاک اموی، به بهانه قیام زید بن علی به هجو امیرالمؤمنین (ع) پرداخت (اصفهانی، ۱۹۹۴: ۳۶/۱۷) که مورد نفرین امام صادق (ع) قرار گرفت (یوسفی، ۱۳۷۳: ۱۳۳/۷). به نظر می‌رسد وی جزء کلیان عثمانی مذهب بود که تا آن زمان بر پای عقاید خویش ایستاده بودند. کُمت شاعر نیز در واکنش به این تفکر و در پاسخ به اعرور، کلیان را هوادار و پیرو بنی‌امیه و دشمنان علی (ع) معرفی کرده است (اصفهانی، ۱۹۹۴: ۳۷/۱۷-۳۸). بنابراین اعتقاد به امویان و دشمنی با اهل بیت (ع) از سوی

۱- زید را روی تنه درخت خرما به صلیب کشیدیم ... و احمقانه عثمان را با علی مقایسه کردی ولی عثمان از علی بهتر است.

برخی کلبی‌ها فقط در میدان نبرد نبود بلکه در جامعه‌ی کلییان شام رسوخ کرده بود و در لابلا‌ی اشعار و تفاخرهای قبیله‌ی قابل مشاهده بود. نهایتاً همان‌طور که شیعیان معتقد به حقانیت اهل بیت (ع) بودند، کلییان هم ایمان به قداست و خلافت بنی‌امیه داشتند و با بکار بستن این باور به کارزار مخالفان امویان وارد می‌شدند.

۳ - ۲ - رویارویی بنی کلب با چالش‌های سیاسی و اقتصادی

کناره‌گیری معاویۀ بن یزید از خلافت پس از مرگ پدرش، بیعت برخی از شهرهای شام با عبدالله بن زبیر،^۱ (ابن‌اثیر، ۱۹۶۵: ۱۴۷/۴) رقابت دو گروه قیسی و یمنی و دودستگی مردم در امر بیعت با خلیفه‌ی بعدی، دولت نوپای امویان را با چالش جدی روبرو کرد. در این زمان حساس، حسّان بن مالک، زعیم قبیله‌ی کلب مهم‌ترین چهره‌ی سیاسی شام بود که توانست بحران جانشینی امویان (۶۴ هجری) را مدیریت کند و به‌طور موقت اداره‌ی حکومت را بدست گیرد (ابن‌کثیر، بی تا: ۱۴۷/۴)، تا اینکه سرانجام بزرگان بنی‌امیه برای انتخاب خلیفه در جایه به شور نشستند. رئیس کنگره حسان بن مالک کلبی بود و برخلاف خالد بن یزید - برادر خلیفه مستعفی اموی - پافشاری می‌کرد ولی مروان بن حکم به دلیل تجربه از اقبال بیشتری برخوردار بود و با پذیرفتن اصلی‌ترین شرط کلییان مبنی بر ولیعهدی خالد بن یزید به‌عنوان رئیس حکومت انتخاب شد (طبری، ۱۹۷۶: ۶۱۰/۵). در نتیجه‌ی این حمایت سیاسی بزرگان کلب، بقای دولت بنی‌امیه تضمین شد، اگرچه قدرت از شاخه‌ی سفیانی به مروانی منتقل گردید. وجه دیگر ارائه شروط برای مروان از سوی کلب، نمایش قدرت این قبیله است که آن زمان هیچ جماعتی در حدّ آن‌ها نبود.

در تحلیل گزارش‌های تاریخی گوناگون و مضطرب این دوره فقط می‌توان به این رهنمون شد که حسّان بن مالک کلبی (ابن‌بحدل) نقش اول تحولات را ایفا می‌کرد. او با پشتوانه‌ی قبیله‌ای منسجم و بزرگ و نسبت سببی با بنی‌امیه به رهبری سالخورده و مورد اعتماد برای همه گروه‌های مدعی منصب خلافت تبدیل شده بود و مروان نیز با این شناخت دست به دامان او شد و همان شیوه معاویه و یزید در تکیه بر کلییان را در پیش گرفت (ولهاوزن، ۱۹۶۸: ۱۷۲). به نظر می‌رسد بنی کلب در این زمان نگرشی کاملاً سیاسی نسبت به خلافت پیدا کرده بودند، پس مهم نبود که چه کسی سرکار باشد از این رو وقتی مروان برخلاف عهد

۱ - ضحاک بن قیس فهری به عنوان نماینده‌ی ابن‌زبیر در شام، از برخی مردم این منطقه بیعت گرفت.

خود عمل کرد، (ولیعهدی خالد را نقض کرد) ابن بحدل هم مخالفت چندانی نکرد زیرا سایر شروط به نفع کلب همچنان باقی بود و به جایگاه قبیله‌اش خللی وارد نمی‌شد.

با تثبیت جایگاه سیاسی کلبیان در جابیه، کارشکنی و مخالفت قیسی‌ها شدت گرفت و آن‌ها را به‌طور کامل در مقابل امویان قرارداد که نقطه‌ی اوج آن نبرد مرج‌راهط (۶۴ یا ۶۵ هجری) بود، جایی که قیسی‌ها به رهبری ضحاک بن قیس به مصاف سپاه امویان رفتند. در این نبرد، طایفه‌های غسان، کلب و سکسکی‌ها که دارای مردان فراوان بودند، دعوت مروان را لیک گفتند (طبری، ۱۹۷۶: ۵۳۷/۵) و بر قیسی‌ها چیره گشتند (مسعودی، بی‌تا: ۲۶۹-۲۸۰). کلبی‌ها زیر پرچم خیشم کلبی (بلاذری، ۱۹۹۶: ۱۳۹/۵) شمشیر زده و بزرگ‌ترین لشکر که بالغ بر پنج‌تا هفت هزار نفر بود را تشکیل می‌دادند (اصفهانی، ۱۹۹۴: ۱۹۶/۱۹). فرماندهی سوار کاران، حسان بن مالک بود (بلاذری، ۱۹۹۶: ۱۳۸/۵) و زُحنه بن عبدالله کلبی کسی بود که ضحاک بن قیس را به قتل رساند (طبری، ۱۹۷۶: ۵۳۸/۵-۵۴۳). نجات مروان بن حکم از مرگ توسط حُزَیب بن مسعود و مُحَرَّر بن حزیب کلبی (بلاذری، ۱۹۹۶: ۲۷۷/۶) هم، از جان‌فشانی‌های آن‌ها در مرج‌راهط بود (ابن کلبی، ۱۹۸۸: ۵۷۶/۲). در این جنگ علاوه بر مردم عادی قبیله‌ی کلب، بزرگانی از آن‌ها نیز کشته و یا مجروح شدند؛ مالک بن زید از کشته‌شدگان کلب (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ۴۵/۲۴) و عمرو بن مخلّاه، (ابن بکار، ۱۹۹۶: ۵۰۹) حُرّاق بن حُصَین و وازغ بن ذوالله کلبی از مجروحان بودند. (ابن کلبی، ۱۹۸۸: ۵۶۲/۲)

در این کارزار رجزهائی از سوی کلبیان خوانده شد که حاکی از تنش سیاسی و عمق دشمنی کلب با قیس بود به گونه‌ای که به ذکر سابقه‌ی جاهلی هر قبیله کشیده شد (طبری، ۱۹۷۶: ۵۴۲/۵). جوّاس بن قَعَطَل در حمایت از مروان و قبیله‌اش جواب رجزه‌های زُفر بن حارث کلابی را در قالب شعر داد و بر پایمردی مردان کلب تأکید کرد (اصفهانی، ۱۹۹۴: ۱۳۱/۱۹). عمرو بن مخلّاه هم که چشمش آسیب دید در زمینه‌ی تفاخر یمنی‌ها بر نزاری‌ها و نقش کلب در تثبیت خلافت مروان شعر سرود (طبری، ۱۹۷۶: ۴۱۹/۴؛ مسودی، بی‌تا: ۲۶۷/۱؛ ابن بکار، ۱۹۹۶: ۵۰۹) و ثمامه بن قیس کلبی، ضحاک را پیشوایی دروغ‌گو و مروان را امام هدایت و راست‌گویی خواند (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۱۷۱/۵). این پیروزی تا سال‌ها مایه‌ی غرور کلب و یادآور رشادت‌های قبیله بود، آن‌چنان‌که ابوالخَطّار کلبی (ابن کلبی، ۱۹۸۸: ۵۷۲/۲) در ضمن شعری با اشاره به وفاداری قبیله‌اش در مرج‌راهط، روزی که مروانیان یاوری جز کلب نداشتند، به حکومت اندلس رسید (ابن‌أثیر، ۱۹۶۵: ۲۹۱/۴-۲۹۲). سروده‌های شعرای کلبی در ارتباط با این ماجرا بیانگر نهایت خدمت کلب به امویان، ترس و بی‌اطلاعی

مروان از سیاست و نفع بردن دو طرف (کلب و بنی‌امیه) است (همان، ۲۷۳/۵). بنابراین تعصب قبیله‌گی کلب، منجر به حمایت سیاسی از امویان گردید و قیسیان و دیگر قبایل مضری رقیب را از میدان بدر کرد درحالی‌که نگرانی سقوط خلافت امویان وجود داشت.

البته این پایان ماجرا نبود چراکه قیسی‌ها پس از شکست در مرج‌راهط، گرد زُفر بن حارث کلابی در قرقیسیا اجتماع کردند (طبری، ۱۹۷۶: ۵۴۱/۵). از این رو عبدالملک در ۷۱ هجری تصمیم گرفت تا با سپاهی متشکل از جنگجویان کلبی و برخی قبایل دیگر با آنها مقابله کند. اگرچه در چندین نوبت درگیری نزدیک بود که لشکر شام شکست بخورد و برخی هم نظر بر ترک مخاصمه داشتند ولی بزرگ کلبی‌ها، حُرَیث بن‌بحدل، بر ادامه‌ی مبارزه نظر داشت و با این‌که در آستانه‌ی شکست بودند دست از کینه‌توزی نسبت به قیسی‌ها و وفاداری بنی‌امیه برنداشت. درنهایت این پیش‌قدمی و خوش‌خدمتی بنی‌کلب با تکیه بر اعتماد به نفس و اطمینان بر قدرت نظامی افراد قبیله، مانع شکست بنی‌امیه و سبب مصالحه‌ی عبدالملک و زُفر گردید (ابن‌اثیر، ۱۹۶۵: ۳۳۹/۴).

بررسی تحركات کلبیان در این دوره از جنگ‌های پراکنده، علاوه بر رقابت‌های سیاسی حاکی از انگیزه‌های بالاتر، در قالب تعصب قبیله‌گی و پیروی از سنت خونخواهی (ثأر) است. در حقیقت این سنت مبتنی بر تعصبات جاهلی، با وجود جایگزینی قصاص به جای آن (بقره: ۱۷۸)، همچنان در میان قبایل رواج داشت به گونه‌ای که کشته شدن یک نفر از قبیله یا تعرض به عشیره‌ای برابر با تجاوز به کل قبیله بود و انتقام از آن، دیگر جنبه‌ی فردی نداشت. با این بیان می‌توان نبردهای کلب و قیس را در قالب این سنت نیز برشمرد به طوری که بیشترین آسیب را قبایل بدوی کلب دیدند چراکه هجمه به آنها از سوی انتقام‌جویان قیسی، به مراتب آسان‌تر از کلبیان مستقر در شهرها بود.

در گوشه دیگر خلافت اسلامی و در میانه دوران حکومت بنی‌امیه، ستم والیان اموی بر مردم عراق، سبب اعتراض‌های سیاسی و قبیله‌گی مردم آن دیار شد و این منطقه را به کانون شورش‌های ضد اموی بدل کرد. شورش عبدالرحمان بن اشعث کندی از این دسته بود. او که در ابتدا حامی بنی‌امیه بود؛ در ۸۰ هجری از سوی حجاج بن یوسف، به سیستان رفت و آنجا را فتح کرد اما پس از پیروزی‌های مختلف کارش را متوقف کرد (طبری، ۱۹۷۶: ۳۲۷/۶-۳۲۲). از این رو به سستی و ناتوانی متهم شد و همین مسئله سبب مخالفتش با امویان گردید (نویری، ۱۳۶۴: ۲۳۷/۲۱). پس از این اختلاف، ابن‌اشعث که رهبر قبیله‌ی کنده و از بزرگان کوفه بود توانست از کینه‌ی عراقی‌ها نسبت به امویان بهره‌گیرد و شورش را در

۸۱ هجری از بصره آغاز کند. در این سلسله نبردها علاوه بر مردم عادی کلب که قسمتی از سپاه شام و کوفه را تشکیل می‌دادند، سفیان بن ابرد و عبدالرحمن بن سلیم، دو سردار قبیله کلب بودند که مسئولیت دسته‌ی سوارکاران و سمت راست سپاه حجاج را برعهده داشتند (طبری، ۱۹۷۶: ۳۴۹/۶). بنابراین کلبی‌ها با حضور دو سردار خود، قسمت بزرگی از سپاه شام را تشکیل می‌دادند و توانستند در نبرد دیرالجمام (مسعودی، بی تا: ۲۷۱-۲۷۳) قیام ابن اشعث را شکست دهند (یعقوبی، بی تا: ۲۰۱/۲؛ نویری، ۱۳۶۴: ۲۳۷/۲۱).

پس از ابن اشعث، یزید بن مهلب هم در پی سیاست‌های امویان دست به شورش زد. او پس از عزل از امارت خراسان (طوقش، ۱۳۹۲: ۱۴۸) و زندانی شدن، (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۴۸۸/۴) در ۱۰۱ هجری از زندان فرار کرد و حرکت خود را - در ابتدای دوره خلافت یزید بن عبدالملک (۱۰۱-۱۰۵ هجری) - بر علیه بنی امیه آغاز نمود. ابن مهلب بصره را تصرف کرد و مردم آنجا با او بیعت کردند (طبری، ۱۹۷۶: ۶۵۸۴). او علاوه بر بصره، بر کوفه، فارس و اهواز چیره گردید ولی در برخورد با والی اموی عراق - مسلمة بن عبدالملک - بسیاری از یارانش را از دست داد و کشته شد (همان، ۵۹۷). در خاموش کردن این جنبش، مردم کلب مقدم‌تر از همه بودند و فحل بن عیاش کلبی، نقش بسزایی در سرنوشت جنگ داشت به طوری که پس از شناختن یزید بن مهلب با کمک دیگر کلییان، او را به قتل رساند (ابن کلبی، ۱۹۸۸: ۵۹۴/۲) مدرک بن ضب کلبی هم به دنبال باقی مانده‌ی آل مهلب به فارس رفت و عبدالرحمن بن سلیم کلبی به پاس این خدمت والی بصره شد (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۲۳۱/۸). علاوه بر عرصه‌ی نظامی، مُسَبِّب بن رِفْل هم که شاهد کشته شدن یزید بن مهلب بود با سرودن شعری به اقدامات کلب افتخار کرده و با منافق خواندن عراقی‌ها، کینه‌ی دیرینه‌ی مردم شام نسبت به عراق را به تصویر کشید (ابن کلبی، ۱۹۸۸: ۵۹۵/۲؛ مرزبانی، ۲۰۰۵: ۳۵۴). البته لازم به ذکر است اگرچه امویان در این دوره - حکومت یزید بن عبدالملک - به قیسی‌ها تمایل داشتند (طوقش، ۱۳۹۲: ۱۸۴) ولی این گزارش نشان می‌دهد که کلب پس از گذشت بیش از نیم قرن نقش آفرینی هنوز قبیله‌ای وفادار و سرنوشت‌ساز بود و اعتماد به آن‌ها منافع زیادی را نصیب امویان می‌نمود.

در شرق خلافت اسلامی هم گزارش‌هایی از حضور کلییان در دسترس است. حکم بن عوانة کلبی مدتی از سوی هشام بن عبدالملک (۱۰۵ - ۱۲۵ هجری) والی خراسان و سند شد (ابن کلبی، ۱۹۸۸: ۶۲۶/۲). حَسَنَةُ بن حَنَیْف کلبی هم از همراهان حکم بن عوانة در سرزمین سند بود و در همان جا کشته شد (دارقطنی، ۱۹۹۱: ۶۷۸/۲). همچنین حَمَلَةُ بن نُعَیم از بنی علیم

فرماندهی کلبی دمشق‌های لشکر خراسان در مقابل قیام مرجئه و ترکان بود (طبری، ۱۹۷۶: ۱۲۲/۷؛ ابن‌اثیر، ۱۹۶۵: ۲۰۲/۵).

آخرین مبحث از این پژوهش، اشاره به اعتراضات ناشی از سختگیری اقتصادی امویان است. در حقیقت امویان پس از استقرار دولتشان برخلاف توصیه‌های اسلامی، بر امور دنیوی تأکید کردند (ابن‌طقطقی، ۱۳۶۷: ۱۴۷؛ زیدان، ۱۳۷۲: ۶۹۳/۴). حکومت اشرافی، مخارجشان را افزایش داد و علاوه بر بدل و بخشش، هزینه‌های لشگری و کشوری نیز بخش عمده‌ای از نظام مالی حکومت را در بر می‌گرفت (حاج‌حسن، ۱۹۸۷: ۲۲۷)؛ از این رو از طریق دریافت خراج، جزیه، غنائم و هدایا خزانه‌ی خود را پُر می‌کردند (اصطخری، ۱۹۶۱: ۱۴۸-۱۴۹؛ بطروشفسکی، ۱۳۶۳: ۱۷۵). در این راستا سختگیری بر اهل ذمه و تغییر در نظام مالیاتی با هدف افزایش درآمد، سبب شورش‌های پراکنده‌ای در مقابل والیان اموی شد.

از جمله‌ی این شورش‌ها، قیام مردم افریقیه بر یزید بن ابی‌مُسلم ثقفی، امیر اموی مغرب (۱۰۱ تا ۱۰۲ هجری) بود. مردم افریقیه به سبب در پیش گرفتن روش سخت‌گیرانه دریافت جزیه از ذمیان تازه‌مسلمان، او را به قتل رساندند. یزید بن عبدالملک هم برای جلوگیری از شورش مجدد، بشر بن صفوان کلبی - برادر حنظله - را برای سروسامان دادن به ناآرامی‌ها بدانجا فرستاد تا مانع تضعیف حکومت امویان شود (طبری، ۱۹۷۶: ۶۱۷/۶؛ ابن‌خلکان، ۱۹۹۴: ۳۰۹/۶). دیگر شورش با انگیزه‌های مالی، اعتراض قبطیان و اهل الصعید مصر^۱ به دریافت خراج زیاد در زمان امارت حنظله بن صفوان کلبی در ۱۲۱ هجری بود که با قتل عده‌ی زیادی درهم شکست (کندی، ۲۰۰۳: ۶۲). گزارش این دسته از قیام‌ها غالباً مربوط به اهل ذمه است چراکه با ادامه فتوحات در دوره اموی، نظام مالیاتی امویان وسعت پیدا کرد و دست والیان برای گرفتن خراج و جزیه باز بود از این رو نسبت به مردم خود سخت‌گیرانه عمل می‌کردند؛ بنابراین فشار برای پرداخت جزیه بیشتر و وضع قوانین جدید در راستای تحقیر و توهین به اهل ذمه، (پیگلسکایا، ۱۳۵۳: ۱۶۲) آن‌ها را بر علیه والیان اموی تحریک می‌نمود که نمونه‌هایی از آن ذکر شد.

در نهایت لازم به ذکر است حضور کلبیان در رأس سپاه اموی در چهارگوشه جهان اسلام، قدرت جنگ‌آوری و اعتماد بنی‌امیه به آن‌ها را نشان می‌دهد ولی لزوماً حاکی از

۱ - صعید منطقه‌ای در مصر امروزی، در دوسوی نیل از جنوب قاهره تا مرزهای سودان است. (قلقشندی، ۱۹۶۳: ۴۲۰/۱۱)

رویکرد کلی قبیله نمی‌تواند باشد چراکه در اواخر دوره اموی برخی از شهرهای کلبی‌نشین (مثل تدمر)، خود به قیام علیه امویان پیوستند.

نتیجه‌گیری

مهاجرت اکثریت قبایل قضاعه از مرکز شبه‌جزیره به شام و برقراری روابط سیاسی، نظامی و مذهبی با امویان سرآغاز فصل جدیدی از دگرگونی‌های فرهنگی و تحولات اجتماعی در این سرزمین بود که به حضور جدی قبیله‌ی کلب در رخداد‌های تاریخی قرن اول و دوم هجری انجامید. جغرافیای خاص و عدم دسترسی کلییان شام به خاستگاه وحی، در کنار سلطه‌ی تبلیغاتی بنی‌امیه در جانشینی خلفاء، سبب شد که بنی‌امیه را وارثان رسول خدا(ص) بپندارند. از این رو در بُعد دینی گرایش به اندیشه‌ی عثمانی‌مذهبان، ضمن پیروی از بنی‌امیه باوری بود که با فراهم‌سازی بستر آن از سوی معاویه، بنی‌کلب را به قبیله‌ای هواخواه مدافع امویان تبدیل کرد. اشراف و بزرگان قبیله هم برای دستیابی به موقعیت سیاسی، حداکثر استفاده را از روابط سببی با امویان بردند و به یکی از ارکان تأثیرگذار در حکومت تبدیل شدند.

بنابراین مردم قبیله‌ی کلب پذیرفتند که در سایه‌ی حکومت سلطنت‌گونه‌ی امویان به حیات خود ادامه دهند، همان‌طور که پیش از اسلام، تحت تأثیر حکومت‌های پادشاهی شمال شبه‌جزیره بودند. آن‌ها سبک حکمرانی معاویه را پسندیده و با آشنایی از سنت کهن پادشاهی موروثی و تکیه بر نسبت خویشاوندی، برای ولیعهدی یزید تلاش کردند. در واقع تثبیت حکومت و موروثی شدن سلطنت امویان جز با تلاش آن‌ها امکان‌پذیر نبود و زمانی هم که بنی‌امیه دچار بحران جانشینی گردید، بزرگان کلب به یاری شتافتند و دولت امویان را نجات دادند. بدین ترتیب بنی‌کلب از سایر قبایل شام پیشی گرفت و به اصلی‌ترین متحد سیاسی - نظامی امویان تبدیل گشت. اگرچه منابع، آمار دقیقی از کلییان شام و طوایف آن‌ها ارائه نداده‌اند ولی بنی‌علیم، بنی‌عدی و بنی‌حارثه را از مشهورترین طایفه‌های کلبی و خانواده بحدل بن‌أنیف را می‌توان مهم‌ترین هم‌پیمان بنی‌امیه در شام نام برد.

مهم‌ترین عرصه نقش‌آفرینی کلییان در طول نزدیک به یک قرن حکومت امویان، عملکرد نظامی آن‌ها بود چراکه بخشی از سپاهیان شام را تشکیل می‌دادند. آن‌ها در سرکوب بسیاری از جنبش‌های ضداموی، حضوری اثربخش داشتند چراکه پس از قتل عثمان، جز بنی‌امیه را شایسته خلافت نمی‌دانستند، از این رو دشمنان امویان در نظر کلییان، ملحد و منافق

بوده و می‌بایستی از بین می‌رفتند. در راستای سرکوب جنبش‌های اعتقادی، سیاسی و اقتصادی، کارویژه‌ی این قبیله، ستیز با مذاهب دیگر، گروه‌های سیاسی و قبایل رقیب بود که در اشعار و رجزهای برجای مانده از آنان کاملاً مشهود است. از لحاظ آماری نیز در این پژوهش ۱۸ چالش پدید آمده برای دولت امویان که کلیبان در آن نقش عمده‌ای ایفا کردند، مورد توصیف و تحلیل قرار گرفت. این بررسی بیان می‌کند که ۱۲ مورد از قیام‌ها بر اساس انگیزه‌های اعتقادی و ۶ مورد با مقاصد سیاسی بود. پراکندگی جغرافیایی این تنش‌ها نیز حاکی از آن است که قیام‌های اعتقادی در حجاز و عراق صورت گرفت و در شام فقط جنبش‌های سیاسی رقم خورد که خود نشان از باور شامیان به خلافت امویان است.

براین اساس ره‌آورد مناسبات دوسویه و مطلوب امویان و کلبی‌های شام، خدمات ارزنده‌ای در ایجاد نظم و امنیت و دفع قیام‌ها و دریافت خراج بود که با هیچ قبیله‌ای در شام قابل مقایسه نیست. از این جهت علل اقبال قبیله‌ی کلب به دولت امویان و تلاش در جهت سرکوب قیام‌های ضد اموی را می‌توان در موارد ذیل برشمرد:

۱. باور به حقانیت بنی‌امیه در خلافت و جانشینی عثمان و ناحق دانستن دیگر مدعیان خلافت؛
۲. پیمان‌های سیاسی و وابستگی خانوادگی با بنی‌امیه؛
۳. داشتن زمینه‌های فکری از سبک و شیوه پادشاهی کهن و تطبیق آن با دولت امویان؛
۴. ادعای سروری قبایل یمنی شام و تلاش برای حفظ این جایگاه؛
۵. رقابت دیرینه با قبایل عراق و ترس از تسلط عراقیان بر شام؛
۶. پایبندی به سنت جاهلی ثار و خونخواهی، بویژه نسبت به قتل عثمان و تعرض به زن کلبی او و دیگر کشته‌شدگان کلبی.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد هر یک از این موارد، کارکرد خود را در قبال جنبش‌های ضد اموی داشت و عملکرد بنی کلب با توجه به علل مذکور، بر حسب انگیزه‌ی مخالفان فرق می‌کرد. در نهایت اینکه سنت‌ها، باورها و مصالح قبیله‌ی کلب، آن‌ها را به نیرویی مدافع خلافت نه تنها در شام بلکه در گستره‌ی جهان اسلام، هرجایی که تهدیدی علیه امویان بود، تبدیل کرد که نقطه‌ی اوج آن مشارکت در سرکوب قیام‌های ضد اموی در عراق، شام، حجاز و شمال آفریقا بود.

فهرست منابع و مآخذ:

- ابن أبي الحديد (بی تا). شرح نهج البلاغه، قم: انشر کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- ابن اثیر، عزالدین (۱۹۶۵). الکامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر- داربیروت.
- ابن الأبار، محمد بن عبدالله (۱۹۸۵). الحله السیراء، تحقیق حسین مونس، قاهره: دارالمعارف.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۹۸۸). کتاب العبرو دیوان المبتدا والخبر فی ایام العرب والعجم والبربر، تحقیق خلیل شحاده، بیروت: دارالفکر.
- ابن خلکان (۱۹۹۴). وفیات الاعیان وانباء أبناء الزمان، تحقیق إحسان عباس، بیروت: دارصادر.
- ابن سعد (۱۹۹۰). الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن طقطقی (۱۳۶۷). تاریخ فخری در آداب ملک داری و دولت های اسلامی، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن عدیم (۱۹۷۶). بغیة الطلب فی تاریخ حلب، آنکارا: چاپ علی سویم.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد (۱۹۶۱). المسالك والممالک، تحقیق محمد جابر عبدالعال الحسینی و محمد شفیق غربال، قاهره: نشر الهیئة العامة لقصور الثقافة.
- اصفهانی، ابوالفرج (بی تا). مقاتل الطالبیین، تحقیق سیداحمد صقر، بیروت: دارالمعرفة.
- اصفهانی، ابوالفرج (۱۹۹۴). الأغانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- الأنصاری، ابن منظور (۱۴۱۴). لسان العرب، بیروت: دارصادر.
- اُوپنهام، ماکس (بی تا). البدو، ترجمه محمود کبیو، لندن: دارالوراق.
- باشمیل، محمد احمد (۱۹۷۳). العرب فی بلاد الشام قبل الاسلام، دمشق: بی نا.
- برو، توفیق (۱۹۹۶). تاریخ العرب القدیمة، دمشق: دارالفکر.
- بغدادی، ابن حبیب (۱۹۴۲). المحبر، تصحیح دکتر ایلزه لیحتن شتیر، حیدرآباد دکن: بی نا.
- بغدادی، ابن حبیب (بی تا). المنمق فی اخبار قریش، تحقیق احمد فاروق خورشید، بیروت: عالم-الکتب.
- بکری، ابو عبید (بی تا). معجم ما استعجم من اسماء البلاد والمواضع، تحقیق مصطفی سقا، بیروت: عالم الکتب.
- بلاذری، أحمد بن یحیی (۱۹۹۶). انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار، بیروت: دارالفکر.
- بيطار، محمد شفیق (۲۰۰۲). دیوان شعراء بنی کلب، بیروت: دارالصادر.
- پطروشفسکی، ایلیا پاولویچ (۱۳۶۳). اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، تهران: نشر پیام.
- پیگولوسکایا، نینا ویکتوروونا (۱۳۵۳). تاریخ ایران، ترجمه کریم کشاورز، تهران: نشر پیام.
- جاحظ (۱۹۹۱). العثمانیة، تحقیق عبدالسلام محمدهارون، بیروت: دارالجلیل.

- جواد علی (۱۹۶۸). *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، بیروت: مکتبه النهضه.
- الحاج حسن، حسین (۱۹۸۷). *النظم الاسلامیه*، بیروت: الموسسه الجامعیه للدراسات والنشر والتوزیع.
- حلی، ابن نما (بی تا). *مثیر الأخران*، قم: نشر مدرسه امام مهدی (عج).
- حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵). *معجم البلدان*، بیروت: دارالصادر.
- دمشقی، ابن عساکر (۱۹۹۵). *تاریخ مدینه دمشق*، تحقیق علی شیری، بیروت: (بی تا).
- دینوری، ابن قتیبه (۱۴۱۰). *الإمامه والسیاسه*، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالأضواء.
- زیدان، جرجی (۱۳۷۲). *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: نشر امیرکبیر.
- سجستانی، ابوحاتم (۱۹۶۱). *المعمرون والوصایا*، تحقیق عبدالمنعم عامر، قاهره: دارالکتب العربیه.
- سمعانی، عبدالکریم (۱۳۸۲). *الأنساب*، تحقیق عبدالرحمن معلمی، حیدرآباد: نشر مجلس دائرة المعارف العثمانیه.
- سید بن طاووس (۱۴۱۷). *المهوف علی قتلی الطفوف*، سیدتحقیق شیخ فارس تبریزیان، تهران: دارالأسوة.
- شیبانی، خلیفه بن خیاط (۱۳۹۷). *تاریخ خلیفه*، تحقیق أكرم ضياء العمري، دمشق: دارالقلم.
- صفدی، خلیل بن أبی بک (۲۰۰۰). *الوافی بالوفیات*، تحقیق أحمد الأرنؤوط وترکی مصطفی، بیروت: دارإحياء التراث.
- طبری، محمدبن جریر (۱۹۷۶). *تاریخ الأمم والملوک*، تحقیق محمدأبو الفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث.
- طقوش، محمدسهیل (۱۳۹۲). *دولت امویان*، ترجمه حجت الله جودکی، قم: نشر پژوهشگاه حوزه ودانشگاه.
- عذاری، احمدبن محمد (۲۰۱۳). *البيان المغرب فی اختصار اخبار ملوک الأندلس والمغرب*، تحقیق بشارعواد معروف، تونس: دارالغرب الاسلامی.
- عسقلانی، احمد بن علی (۱۳۷۹). *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، تحقیق محب الدین الخطیب، بیروت: دارالمعرفه.
- غندجانی، أسود (۱۹۸۰). *فرحه الأديب*، تحقیق محمدعلی سلطانی، دمشق: دارقتیبه.
- قرشی، زبیربن بکار (۱۹۹۶). *الأخبارالموقیات*، تحقیق سامی مکی العانی، بیروت: عالم الکتب.
- قرطبی، محمدبن عبدالبر (۱۹۹۲). *الاستیعاب فی معرفه الأصحاب*، تحقیق البجاوی، بیروت: دارالجيل.

- قلقشندی، احمد (١٩٦٣). صبح الاعشی، قاهره: بی نا.
- کلبی، هشام بن محمد (بی تا). جمهره النسب، تحقیق حسن ناجی، بیروت: عالم الکتب.
- کوفی، ابن أعثم (١٤١١). الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت: نشر دارالأضواء.
- کلبی، هشام بن محمد (١٩٨٨). نسب معد و الیمن الکبیر، تحقیق ناجی حسن، بیروت: عالم الکتب.
- کندی، محمد بن یوسف (٢٠٠٣). کتاب الولاة و کتاب القضاء، تحقیق محمد حسن إسماعیل، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- مرزبانی، محمد بن عمران (١٣٤٣). الموشح فی ماخذ العلماء علی الشعراء، قاهره: المكتبة السلفية.
- مرزبانی، محمد بن عمران (٢٠٠٥). معجم الشعراء، تحقیق فاروق اسلیم، بیروت: دارالصادر.
- مسعودی، علی بن حسین (١٤٠٩). مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، قم: دارالهجرة.
- مسعودی، علی بن حسین (بی تا). التنبيه والإشراف، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره: دارالصاوی.
- منقري، نصر بن مزاحم (١٤٠٤). وقعه صفین، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم: نشر کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- منقري، نصر بن مزاحم (بی تا). وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفى، قم: نشر کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- مونس، حسین (١٩٩٢). تاریخ المغرب و حضارته من قبیل الفتح العربی الی بدایه الاحتلال الفرنسي، بیروت: نشر العصر الحديث.
- میر شریفی، سید علی (١٣٦٩). «عثمانیه جاحظ و نقدهای آن»، دو ماهنامه آینه پژوهش، سال اول، شماره ٥، صص ١١-٢٦.
- نویری، احمد (١٣٦٤). نهائیه الارب فی فنون الادب، ترجمه مهدوی دامغانی، تهران: امیرکبیر.
- وکیل، هادی (١٣٧٦) «خلافت امویان و بررسی مبانی مشروعیت آن»، مشکات، سال پانزدهم، شماره ٥٤ و ٥٥، صص ٨٨-١٠٠.
- ولهاوزن، یولیوس (١٩٦٨). تاریخ الدولة العربیة من ظهور الاسلام الی نهائیه الدولة الأمویة، ترجمه محمد عبدالهادی أبوریة و حسین مونس، قاهره: انجمن تألیف و ترجمه و نشر.
- همدانی، حسن بن احمد (٢٠٠٤). الإکلیل من اخبار الیمن و أنساب الحمیر، تحقیق محمد بن علی الأکوع الحوالی، صنعاء: دار الکتب.

- یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب (بی‌تا). تاریخ یعقوبی، بیروت: دارصادر.
- یوسفی، محمدهادی (۱۳۷۳). موسوعه‌التاریخ‌الاسلامی، قم: مجمع‌الفکرالاسلامی.
- Webb, Peter(2021) “Kalb b. Wabara,”: Encyclopaedia of Islam, THREE.<http://dx.doi.org/10.1163/1573-3912_ei3_COM_32946>



THE HISTORICAL STUDY OF WAR
Scientific Journal, Scientific Research Article
Vol. 5, Issue 3, No.17, autumn 2021

A Study of the Military Confrontation of the Kalb Tribe with Belief Movements and Political and Economic Challenges of the Umayyad Period (41-132 AH)

Meysam Habibi Kian, Mehran Esmaeli***

Abstract

The Arab socio-political system depended on the tribe through which the Umayyads formed the Umayyad rule. Thus, the Kalb tribe by claiming the supremacy of the Yemeni tribes, the vast population and territory became the most loyal fanatical tribe of the Umayyads, and with their presence in the political arena and sacrifice in the Battle of Siffin, they became the basis for inheriting this dynasty. In addition, their military and cultural assistance to Yazid I marked the expansion of the Umayyad rule. Therefore, the present study tries to describe and analyze the Kalb tribe's reaction in the face of the ideological insurrections and political-economic challenges of the Umayyad government and the role this tribe played in suppressing the anti-Umayyad movements. The research findings show that the most important field of role-playing of the Kalbiyya was the military performance influenced by their ideological support, traditions and tribal interests because they were part of the Umayyad armies. The suppression of ideological as well as political-economic movements, conflicts with followers of religions, rival tribes and political groups opposed to the Umayyads within the Islamic Caliphate were the special features of the Kalb tribe during this period, so that they had an effective presence in military campaigns outside the Levant and in the most remote areas. The culmination of their participation can be considered a believable struggle with the economic protests of the Dhimmis in Egypt and far from the center of the caliphate, the revolt of the followers of Zayd ibn Ali, the uprising of the people of Medina and the rebellions of the Kharijites and Zubayres throughout the Umayyad Empire.

Keywords: Umayyads, Kalb tribe, movement, caliphate, the Levant.

* Corresponding author: PhD Student of Professorship of Islamic Teachings, Subfield of History and Civilization, Faculty of Theology and Religions, Shahid Beheshti University; Email: habibikian110@gmail.com.

**Assistant Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Shahid Beheshti University; Email: me_esmaeli@sbu.ac.ir.

|Received: August 21, 2021; Accepted: November 13, 2021| DOI:10.29252/HSOW.5.3.75|